

"پیش آر پیاله را که شب می گذرد"

گفتگوی ویژه در رابطه با مراسم اول ماه مه 2009

آنچه که در ذیل تقدیم می گردد، گفتگویی دوستانه می باشد که با تنی چند از کارگران و خانواده های کارگری صورت گرفته، که در جریان برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، سال 1388 حضور داشته اند. هدف از این گفتگو انتقال تجارب، گفته ها و ناگفته های این روز می باشد.

مقدمه:

دوستان؛

نظام سرمایه داری، نظام تبعیض و نابرابری، فقر، بیکاری، استثمار و ... است.

با پیدایش سیستم و مناسبات تولیدی و شیوه تولید سرمایه داری، طبقه کارگر، که اکثریت جامعه ی انسانی را تشکیل می دهند، و تولید کننده ی ثروت های مادی و معنوی جامعه ی انسانی هستند، روز به روز به خاطر منافع سود پرستانه عده ی قلیلی، استثمار شده و هر روز، بیشتر از گذشته کارگران زیر چرخ های اقتصادی له شده و در این مناسبات بیرحمانه، به وحشیانه ترین وجه ممکن توسط حامیان سرمایه داری تحقیر و سرکوب می شوند.

افزایش ساعات کار، کاهش دستمزدها به چندین برابر زیر خط فقر، استثمار، بیکاری و اخراج کارگران و فعالین کارگری، قراردادهای موقت و سفید امضاء، ممانعت از ایجاد و یا سرکوب تشکلهای مستقل کارگری، نا امنی محیط کار و عدم امنیت شغلی، سود پرستی بی حد و مرز و نجومی صاحبان سرمایه، توهین و تحقیر کارگران در محیط کار، سرکوب و زندان و صدها مورد دیگر که خاصیت ذاتی این گونه مناسبات اقتصادی بوده، هر روزه بر گرده ما کارگران سنگینی می کند. حال نظام سرمایه داری در بعد جهانی دچار بحران عمیقی شده است. تضادهای لاینحل و آشتی ناپذیر نظام سرمایه داری و نیز بحران موجود که ناشی از ذات و خاصه سیستم سرمایه داری است، باعث شده تا مفسرین آنها نیز از تبلیغ و ترویج های رایج خود در گذشته دست بشویند. نظام سرمایه داری هیچ آلترناتیو و بدیلی برای برون رفت از منجلابی که خود به پا کرده است، ندارد. از دیگر سو، اشتیاق به ارتقا حقوق و کرامت بشر، برقراری جامعه ای انسانی بدون از تبعیض و استثمار، و نفرت و انزجار از سیادت، آمریت و استبداد، چون رویکردی فراگیر است، توهم به بی بدیل بودن نظام سرمایه داری، کم و بیش از بین رفته و باری دیگر اتکاء بر قدرت و حقانیت طبقه کارگر به عنوان تنها بدیل و علم رهائی بشر بر سر زبانها افتاده است. بر بستر این اوضاع، اعتراضات و اعتصابات کارگری در سطح گسترده ای در جریان است.

برپائی روز جهانی کارگر و گرامی داشت این روز تنها یکی از عرصه های مبارزاتی و طبقاتی کارگران در بعد جهانی، می باشد. کارگران در این روز- اول ماه مه- دست از کار می کشند و چرخ های تولیدی را از حرکت باز می دارند. اول ماه مه روز، رژه میلیونی و مارش اعتراض کارگران بر علیه تمامی مناسبات نظام سرمایه داری است. نظامی که مناسبات و وضعیت غیر انسانی را به کل جامعه ی بشریت تحمیل کرده است.

دوستان حاضر در این گفتگو، با بیان این مقدمه، از شما می خواهم که هر کدام برداشت و نظر خود را در مورد برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بیان کنید تا با انتقال این گفته ها تجاربی در اختیار دیگران گذاشته باشیم.

من سوال خود را مطرح می‌کنم و شما در زمان پاسخ‌گویی، لطف کنید که ضمن معرفی خود، به سوال طرح شده جواب دهید. امید است مژمر ثمر واقع گردد.

از شما دوستان کارگزار شرکت کننده در این گفتگو می‌خواهم در باره برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، 2009 و چگونگی برگزاری این مراسم صحبت کرده و توضیح دهید که فراخوان برگزاری تحت چه عنوانی بوده است. هدف برگزاری روز جهانی کارگر چیست؟ آیا در حین برگزاری مراسم مامورین و پلیس با شما برخورد کرده اند یا نه؟ نقش خانواده های کارگری و زنان و کودکان در این مراسم چگونه بوده؟ مراسم امسال چه حرکت به جلو یا دستاوردهایی را در پی داشته است؟ و در کل آنچه را که لازم می‌دانید در باره این روز بیان نمایید.

قبلا از حضور و توضیحات شما بسیار سپاسگزارم . سهرابی

رضا امجدی هستم، کارگر و عضو " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری "



با تشکر از شما بهزاد عزیز و درود های بی پایان به تمامی هم زنجیران، کارگران دست پینه بسته و خالقان همه نیاز های بشری که خود از نعمت داشتن آن محرومند.

مراسم روز جهانی کارگر، 11 اردیبهشت 1388 در پارک امیریه سنندج به دعوت کمیته برگزار کننده اول مه مه 2009 سنندج برگزار گردید. این مراسم در شرایطی کاملاً پلیسی، توسط خانواده های کارگری گرامی داشته شد. ویژگی مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر این بود که کارگران در اکثر شهر های ایران با قطعنامه ای مشترک و یکپارچه با دیدی طبقاتی این روز را جشن گرفتند. هر چند متأسفانه در سنندج و تهران تعدادی از دوستان دستگیر و هنوز دستگیر شدگان پارک لاله تهران در بازداشت می باشند، اما این نشان از ترس حامیان سرمایه، از اتحاد و همبستگی کارگران را در بر دارد و من شخصاً دستگیری دوستان کارگر را محکوم و خواستار آزادی آنان هستم. در حین برگزاری مراسم در پارک امیریه سنندج همانطور که آگاهید پلیس و مامورین لباس شخصی حاضر در منطقه، به کارگران و خانواده هایمان حمله کردند که بچه های خرد سال خودم در این ضرب و شتم و پاشیدن اسپری فلفل و خردل به صورت آنها مصدوم شدند. ناراحت کننده است یا بهتر است بگویم فاجعه است!! . بله هیچ وقت از یادم نمی رود ناله کودکانه دختر شش ساله و پسرک 4 ساله ام که گریه می کردند و داد می زدند، بابا ، بابا ، صورت و چشمانمان سوخت ، بابا ...



اسم من سهیلا است ، سهیلا گلہ داری . اخراجی و اکنون کارگری هستم بی اجر و مزد. در کشورهایی مثل ایران، ما را خاندان و مادر می نامند. بدون مزد، بدون بیمه، بدون مرخصی و استراحت، در گوشه خانه مشغول به کار هستم.

مراسم امسال همانطور که دوستان رضا اشاره کرد به دعوت کمیته برگزار کننده اول ماه مه 2009 سنندج در پارک امیریه سنندج با حضور کثیری از کارگران و خانواده های کارگری برگزار گردید.

ابتدا پلاکاردهائی در رابطه با روز جهانی کارگر بر افراشته شد. مامورین از تمامی افرادی که به پارک وارد می شدند عکس و فیلم می گرفتند و افراد مشخصی را تحت تعقیب قرار میدادند. گویی لازم بود که عکس یادگاری تهیه کنند!

در میان مردم حاضر در پارک، شیرینی و قطعنامه روز جهانی کارگر پخش می شد. مراسم شروع و قطعنامه قرائت شد. در این لحظه مامورین لباس شخصی به ما حمله ور شدند. کارگران با شعار "روز

جهانی کارگر مبارک" - "کارگر، دانشجو اتحاد اتحاد" - "کارگر زندانی آزاد باید گردد" از حقانیت این روز دفاع نمودند. علیرغم میلثاریزه بودن سطح شهر سنندج و بخصوص محل برگزاری مراسم، جمعیت کثیری توانسته بودند از این حلقه نظامی گذشته و در مراسم شرکت کنند. مامورین حمله خود را شروع کرده بودند. ضرب و شتم شروع شد. مشت و لگد، اسپری فلفل و خردل، توهین و فحاشی، پاشیدن اسپری فلفل و خردل بر سر و روی حاضرین و حتی کودکان و خردسالان. در یک آن، حرکت وحشیانه پلیس در سال 85 در حمله به کارگران و خانواده های کارگری اعتصابی شرکت ریسندگی پرریس سنندج برایم تداعی شد که چگونه در آن اعتصاب ما را در محاصره خود گرفته بودند و وقیحانه ما را با باتوم و اسپری و مشت لگد سرکوب کردند. ضجه و گریه کودکان رضا امجدی که بر اثر پاشیده شدن مایع اسپری بر صورت آنها سوزشی درناک را ایجاد کرده بود در ذهنم با ناله کودکان شیر خواره که همراه مادران خود در اعتصاب پرریس بودند در هم آمیخت و تنها چیزی که به ذهنم متبادر شد کین و لعنت وصف ناپذیر به تمامی مظاهر بورژوازی بود! پلیس ما را کتک زد و سعی داشتند که دوستان کارگر ما را دستگیر و بازداشت کنند که با مقاومت همسران و فرزندان کارگران مواجه شدند. به یاد دارم کودکانی که پلیس آنان را زیر لگد گرفته بودند و مادری خود را زیر مشت و لگد آنان می اندخت که فرزندش در امان باشد و پلیس بی رحمانه هر دو را میزد. دوستان منصور کریمیان، که به شدیدترین وجه ممکن کتک کاری شد. در اثر این زد و خورد تعدادی آسیب دیدند و بچه های بودند بر اثر پاشیدن اسپری بر صورت آنان مصدوم شده بودند، بچه های رضا امجدی، دختر 6 ساله و پسر 4 ساله اش که از شدت سوزش با تمام توان گریه سر می دادند، دیاکو قادری کودک 9 ساله، و پسر 11 ساله ام، کیارش سهرابی و دیگران.

البته این اولین بار نبود که پلیس چنین رفتاری را نسبت ما انجام می داد، بلکه در اول ماه مه سال 85 در مقابل سازمان تامین اجتماعی و سال 86 در جلو روابط کار در خیابان صفری همچنین رفتاری از آنان سر زده بود.

ویژگی این دوره به نظر من این بود که امسال در شهر تهران کارگران و فعالین کارگری توانستند با فراخوان مشترک چندین تشکل کارگری مراسم خود را برگزار کنند. هرچند متأسفانه تعداد 150 نفر از دوستان بازداشت شدند. من از این فرصت استفاده کرده و ضمن محکوم کردن دستگیری این دوستان خواستار آزادی بی قید و شرط آنان هستم. همچنین امسال برای اولین بار کارگران فرش غرب بافت کرمانشاه مراسم مستقل خود را برگزار کردند و در این مراسم قطعنامه سراسری تشکل های کارگری قرانت گردید و همینطور در شهر سقز کارگران توانستند با برنامه مشخص مراسم خود را برگزار نمایند. به نظر من روز جهانی کارگر روز اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران است. اول ماه مه روز اعتراض میلیونها کارگر در جهان است که برای دفاع از مطالبات خود به میدان می آیند و باید این روز به رسمیت شناخته شده و کارگران بتوانند آزادانه این روز را گرمی دارند. در پایان من هم از شما تشکر میکنم. زنده باد اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران.

محمد عبدی پور هستم. کارگر و عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"



با تشکر از شما که این فرصت را در اختیار من گذاشتید تا در رابطه با مراسم روز جهانی کارگر، سال 1388 گفتگویی داشته باشیم.

چند روز قبل از روز جهانی کارگر - 11 اردیبهشت - طبق روال گذشته ما در تدارک و مقدمات برگزاری این روز بودیم و قرار بود که این مراسم بدون درخواست مجوز برگزار شود.

دوستان کارگر ما بر طبق روال گذشته مقدمات برگزاری مراسم روز جهانی کارگر را فراهم و در باره چگونگی برگزاری این روز بحث و تبادل نظر صورت گرفت و تصمیماتی گرفته شد که این روز- روز جهانی کارگر - باید بر اساس وظیفه طبقاتی گرامی داشته شود.

از جمله کار های صورت گرفته، تهیه شیرینی، تهیه تاریخچه روز جهانی کارگر، سخنران و مقاله های مربوطه بود.

در تاریخ 10 اردیبهشت 1388 یکی از مسئولین اداره اطلاعات سقز با مراجعه به محل کار من و محمود صالحی، با ایشان (محمود صالحی) به گفتگو نشستند و توضیحاتی در رابطه با روز جهانی کارگر و گرامی داشت این روز برای نامبرده داده شد. ایشان از محمود صالحی سوال کردند که مراسم را برگزار می کنید؟ که آقای صالحی با قاطعیت گفتند حتما! این مراسم برگزار خواهد شد. سوال کردند شما از سازمان دهندگان هستید؟ آقای صالحی گفتند بله. سوال دیگر این بود که آیا شما در مراسم شرکت می کنید؟ محمود صالحی گفت با توجه به اینکه من حکم تعلیقی دارم خودم شرکت نمیکنم اما جهت برگزاری مراسم، با بچه های برگزار کننده بر نامه ریزی می کنم.

مسئول اداره اطلاعات در باره رنگ قرمز پرچم سوال پرسید، که محمود صالحی در این رابطه توضیحاتی دادند. در همان حال که محمود صالحی و مسئول اداره اطلاعات با هم صحبت می کردند، جلال حسینی و چند نفر دیگر از کارگران داشتند پرچم قرمز را در نزدیکی محل دفتر تعاونی نصب می کردند. مسئول اداره اطلاعات به محمود صالحی گفت: جلال حسینی که داره پرچم نصب می کند!! وی متذکر شد که شما صبر کنید تا من به اداره رفته و موضوع را مطرح و به شما جواب بدهم. بعد از اینکه محل کار ما را ترک کرد با محمود صالحی تماس گرفته شد که یکی از کارگران را جهت دریافت مجوز به اداره اطلاعات بفرستید. من (محمد عبدی پور) به نمایندگی به اداره رفتم بعد از صحبت های طولانی ناچار شدند که با برگزاری مراسم مستقل ما موافقت کنند، ولی از من تعهد گرفتند که خیابانها را نبندیم.

این در حالی است که چند ساعت بیشتر فرصت نمانده است. بعد از ظهر همان روز مقدمات مراسم را فراهم کردیم.

من به عنوان مسئول برگزاری و سخنران تعیین شدم. خانم نجیبه صالح زاده نیز به عنوان مجری انتخاب و آقای اسماعیل نیازی برای قرائت مقاله، آقای منصور صالحی تقدیم شعر، و دختر بچه خرد سالی به نام ... سرود یار دبستانی را خواند و خانم آرزو هجرا نی، قرائت قطعنامه پایانی را بعهده گرفتند.

بدون اینکه نیروهای امنیتی دخالتی کنند در صبح جمعه 11 اردیبهشت _ اول ماه مه _ روز جهانی کارگر در محل خیابان سه راه ملکی، تعاونی مصرف و مسکن کارگران، جشن گرفته شد که گزارش و عکس آن پخش شده و فیلم ویدیویی آن را نیز در آینده ی نزدیک در اختیار عموم قرار خواهیم داد.

ویژگی روز جهانی کارگر امسال در سقز و شهر های دیگر این بود که کارگران با توجه به اینکه چندین نفرشان توسط نیرو های امنیتی احضار شده بودند و با وجود اینکه میدانستند احتمال سرکوب وجود دارد و با آنان برخورد خواهد شد و احتمال دستگیری و زندانی شدن را در بر دارد، اما با این وصف در برگزاری روز جهانی کارگر مصمم بودند. و همانطور که می دانید برگزاری این مراسم در سنندج و تهران با برخورد و سرکوب پلیس مواجه شد، اما کارگران و فعالین کارگری ثابت کردند که طبقه کارگر در هر حال چه مجوز داشته باشند یا نه، در مراسم مستقل و طبقاتی خود شرکت می کنند و گرامی داشت این روز را حق مسلم خود میدانیم.

ویژگی های دیگر امسال، حضور کارگران و فعالین کارگری در تهران بود که برای اولین بار در پارک لاله تهران و با دادن فراخوان برگزاری این روز را اعلام داشتند. و دیگر آنکه، استقامت دستگیر شده گان در زمان بازداشت می باشد.

در پایان من هم همصدا با دیگر کارگران خواستار آزادی دوستان دستگیر شده اول ماه مه هستم و از دوستان شرکت کننده در این گفتگو و شما بهزاد عزیز تشکر می کنم.



لیلا خلیلی هستم. عضو "شورای زنان سنندج"

همانطور که دوستان اشاره کردند ، اول ماه مه 2009 روز جهانی کارگر در سنندج توسط "کمیته برگزار کننده اول ماه مه 2009 سنندج " فراخوان و در پارک امپریه سنندج برگزار گردید.

این مراسم در ساعت 17 بعد از ظهر روز جمعه 11 اردیبهشت با خواندن قطعنامه و نصب و برافراشته کردن پلاکاردهای مربوطه و پخش نقل و شیرینی در میان حضار شروع شد.

با توجه به فضای پلیسی حاکم بر محل برگزاری مراسم، شرکت کنندگان طبق معمول تلاش کردند در کمال آرامش و متانت مراسم را برگزار کنند، اما متأسفانه پلیس به جمع ما حمله ور شد و ما را مورد ضرب و شتم قرار داد. همانطور که شما و دیگر دوستان مطلعید نیروهای امنیتی و لباس شخصی قبل از برگزاری مراسم در محل مستقر و سعی داشتند با ایجاد فضای رعب و وحشت در میان حاضرین از برگزاری این روز ممانعت بعمل آورند. اما با این وصف مراسم در ساعت تعیین شده شروع شد. مراسم با خواندن قطعنامه شروع شد که مامورین لباس شخصی حمله ور شدند و با کتک کاری و پاره کردن پلاکاردها و تهدید و توهین سعی کردند تا ما را متفرق کنند. اما شرکت کنندگان با کف زدن و سر دادن شعارهای "کارگران جهان متحد شوید" - " کارگر دانشجو معلم ، اتحاد اتحاد" - "زندانی کارگر آزاد باید گردد" به طرزی رزمنده به این اعمال سرکوبگرانه عکس العمل نشان دادند و با راهپیمایی حقانیت این روز را به نمایش گذاشتند. در ادامه این سرکوب مامورین با استفاده از اسپری فلفل و خردل و انواع اسپری های بی حس کننده و استفاده از باتوم حمله خود را شدت دادند. نکته قابل تامل و تأسف بر انگیز حملات عوامل ضد کارگری، اعمال سببیت وصف ناپذیری بود که بر علیه شرکت کنندگان به ویژه کودکان و خردسالان صورت گرفت و مانند دیگر شرکت کننده آنها را مورد ضرب و شتم قرار می دادند و با پاشیدن اسپری به صورت آنان این وقاحت را چندید برابر نمودند ، از جمله کودکان و افراد خردسالی که دوستان، رضا و سهیلا به آنان اشاره نمودند. همچنین 6 نفر در جریان این مراسم دستگیر که بعد از 24 ساعت آزاد شدند.

روز جهانی کارگر باید به عنوان تعطیل رسمی در تقویم کشور وارد شود. این روز باید آزادانه برگزار شود. در این روز تمامی چرخ های تولید باید از کار بایستد. روز جهانی کارگر، روز خالقان نعمات مادی است. کارگران باید این حق را داشته باشند روز خود را به هر شکل ممکن که خود تشخیص میدهند بر گزار نمایند.

یکی از ویژه گیهای مراسم روز جهانی کارگر امسال، فراخوان و قطعنامه مشترک کارگران و فعالین کارگری در ایران بود. هر چند این مراسم در تهران سرکوب و منجر به بازداشت تعدادی شد اما این اتحاد و همبستگی بارقه امیدی را در دل ها زنده کرد. من هم به نوبه خود دستگیری و بازداشت شرکت کننده در اول ماه مه تهران را محکوم و خواستار آزادی این دستگیر شدگان هستم. در آخر از شما و دوستان شرکت کننده در این گفتگو تشکر میکنم.

شکوه ساری هستم . کارگر خانه دار و همسر یک کارگر.



من به عنوان یک کارگر زن و همسر یک کارگر وظیفه خود می دانم به خاطر دفاع از زندگی کارگرمیان در مراسم روز جهانی کارگر شرکت کنم. هر ساله من با دل و جان در این مراسم شرکت کرده ام و شرکت خواهم کرد. امسال به دعوت کمیته برگزار کننده اول ماه مه 2009 سنندج - 11 اردیبهشت - سال 88 روز جمعه ساعت 16/30 دقیقه بعد از ظهر به پارک امیریه رفتیم و حدوداً ساعت 17 بعد از ظهر با وجود حضور نیرو های پلیس و لباس شخصی ها تعداد زیادی از کارگران همراه با خانواده ها ایشان در این مراسم شرکت کرده بودند و مراسم با پخش شیرینی و خواندن قطننامه شروع شد. اگر چه قبل از مراسم عده ای از فعالین کارگری را به سازمان اطلاعات خواسته بودند و نیرو های مسلح و لباس شخصی دور تا دور پارک امیریه را احاطه کرده بودند و لباس شخصی ها با دوربین از چهار طرف از جمعیت فیلم و عکس می گرفتند، با این وجود حدود 500 نفر کارگر و خانواده های کارگری در این مراسم حضور داشتند و شعار کارگران این بود- " کارگر زندانی آزاد باید گردد" - کارگر دانشجو اتحاد اتحاد - " زنده باد کارگر" - در همان ابتدا مامورین لباس شخصی حمله ور شدند و پلا کادر های را جمع و قطننامه را پاره کردند و قصد دستگیری افرادی را داشتند. ما زنان و کودکان آنان را احاطه کرده و از دستگیری تعداد زیادی جلوگیری کردیم.

روز جهانی کارگر، روز اعتراض به حقوق پایمال شده کارگران است. از ویژگیهای این مراسم شرکت تعدادی از خانواده های کارگری در مراسم بود و ما می خواستیم مراسم را در پارک با خوشی و شادی و بدون هیچ درگیری و زد و خوردی جشن بگیریم ولی متأسفانه همانطور که انتظار می رفت نیروهای انتظامی و لباس شخصی ها بطور وحشیانه ای به زنان و بچه ها و مردان حمله کردند و مخصوصاً ما زنان و بچه هایمان (همانطور که سهیلا به آنها اشاره کرد) را به خاطر دفاع از پدران و همسرانمان و دیگر کارگران مورد ضرب و شتم قرار دادند این حق ما کارگران و خانواده های کارگری است که روز جهانی کارگر را گرامی بداریم و جشن بگیریم چرا که تمام محصولات دنیا را کارگر تولید می کند و حق زندگی شایسته و انسانی را هم دارند.

پلیسها به جای گوش دادن به اعتراضات و برآورده کردن خواسته هایمان، ما را مورد ضرب و شتم و توهین و افترا قرار دادند و وحشیانه با باتوم و اسپری فلفل و گاز اشک آور به ما حمله کردند و حتی به بچه هایمان هم رحم نکردند. نقش زنان و کودکان در دفاع از حقانیت این روز واقعاً چشم گیر بود. شجاعانه از همسران و دوستان کارگر خود دفاع کردند.

امسال در اکثر شهر های ایران مراسم برگزار و فراخوان مشترک داده شد که در تهران تعداد زیادی از کارگران دستگیر شدند که باید خواستار آزادی این دوستان شد و این گونه سرکو بها را باید محکوم کرد.

من هم از همه دوستان شرکت کننده در این گفتگو و شما بهزاد عزیز تشکر می کنم.



وفا قادری هستم. کارگر شرکت نساجی شین بافت و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"

مراسم اول ماه مه 2009 (11 اردیبهشت 88) در اکثر شهرها بدعوت کمیته برگزار کننده روز جهانی کارگر، متشکل از تشکلهای و کارگران کارخانجات مختلف و فعالین کارگری برگزار گردید. مراسم در سنندج نیز بدعوت کمیته برگزار کننده در پارک امیریه سنندج و حدود ساعت 17 بعد ظهر روز جمعه برگزار شد. مراسم اول ماه مه امسال در حالی برگزار گردید که پیشتر از طرف سازمانهای امنیتی فعالین کارگری را خواسته و از آنان بازجوی بعمل آورده و با فشار از آنها تعهد گرفته بودند که در مراسم روز جهانی کارگر شرکت نکنند. در صبح روز جمعه 11 اردیبهشت هم در سنندج اقدام به بازداشت تعدادی از فعالین کارگری نمودند. نیروهای امنیتی، علیرغم مقاومت بازداشت شدگان، آنها را تا غروب همان روز در بازداشت نگه داشتند. و این بخشی از تلاشهای آنها برای ایجاد جو رعب و وحشت در جهت ممانعت از برگزاری مراسم اول ماه مه بود. حتی مراسم دولتی امسال سنندج هم محدود به عده قلیلی از کارفرمایان و نمایندگانشان و عده کمی از کارگران متوهم و نمایندگان دولتی اداره کار بود. این نشان از کمر به سرکوب بستن دولت برای مقابله با اعتراضات کارگری امسال داشت. از نظر ما اقدامات اختناق آمیز و برنامه ریزی شده نیروی امنیتی هر ابعادی به خود میگردفت، نمیتوانست مانع برگزاری مراسم

مستقل روز جهانی ما در داخل شهر گردد. دلایل زیادی برای اثبات این واقعیت وجود دارد که من فقط به دو تای آنها اشاره میکنم. 1- اوضاع سیاسی و معیشتی و مبارزات چند ساله فعالین جنبش کارگری و فعالین سایر جنبشها تناسب قوانی را تامین کرده بود که امکان میداد مراسم خود را برگزار کنیم. 2- فعالین کارگری در سنج اولین کسانی بودند که در دل اختناق شدید دهی 60 بار دیگر مراسمهای مستقل روز جهانی کارگر را در داخل شهر برگزار کردند. طی این مراسمها که 4 سال ادامه داشت قطعنامههایی صادر شد که دادخواست کارگران علیه سیستم سرمایه‌داری بود و در آنها مطالبات حداقل و برحق کارگران فرموله شده بود. اگر چه این مراسمها و بخصوص گذشته این فعالین و عملکردشان جای نقد دارد، اما کارگرانی از ما به خاطر آن مراسمها زندان و دربدری کشیدند. سخنران اول ماه مه حتی در این راه جانش را از دست داد. ما به عنوان شریک آن تلاشها و حامل آن سنتها مصمم بودیم که روز جهانی خود را برگزار کنیم و کردیم. این سنت طبقاتی، تاریخ طولانی‌ایی دارد که از مبارزات طبقه کارگر جهانی به ارث برده شده است.

در سنج علیرغم حضور گسترده پلیس امنیتی و لباس شخصیها، و عکس و فیلم گرفتن آنها از جمعیت و محاصره محل مراسم، جمعیتی حدود 500 نفر از کارگران و خانواده هایشان حضور داشتند. مراسم با پخش شیرینی و خواندن قطعنامه شروع شد، که در همان ابتدا با یورش پلیس امنیتی و جمع آوری پلاکاردها و پاره کردن قطعنامه، سعی در متفرق کردن جمعیت و تلاش برای دستگیری تعدادی نمودند. اما بالاخره کارگران و خانواده‌ها مواردی از قطعنامه را به شکل شعار بیان کردند که عبارت بودند از: کارگر زندانی آزاد باید گردد؛ کارگر اتحاد اتحاد؛ کارگر، معلم، دانشجو، اتحاد اتحاد؛ اخراج ممنوع! زنده باد کارگر و زنده باد اول ماه مه و..... جمعیت قصد ترک محل را داشتند که نیروهای امنیتی و لباس شخصیها با باتوم و گاز فلفل هجوم آورده و قصد دستگیری تعدادی از برگزار کنندگان را داشتند که با مقاومت زنان و مردان و حتی کودکان روبرو شدند. لازم میبینم در اینجا به شجاعت زنان اشاره کنم. البته این شجاعتها را ما در موارد زیادی و سالهاست که شاهد بوده‌ایم و ما و جامعه با ادای احترام به این زنان مبارز و آگاه در عمل شجاعت‌هایشان را ستوده ایم. توحش نیروها حدی نداشت و گواه آن دستگیری کارگران و زنان و حتی نوجوان 14 الی 15 ساله میباشد.

2- امسال ضرورت اتحاد و یکپارچگی را کارگران و فعالان کارگری درک نموده بودند و این بنیان بدعتی امیدوار کننده و پشت کردن فعالان به فرقه‌ها و اولویت دادن به مبارزات کارگری و طبقاتی بود که امید است این اتحاد عمل دوام یابد. بنظر من این صف بندی کارگران در مقابل سرمایه داری است. از ویژگی مراسم اول ماه مه میتوان شرکت فعال کارگران و خانواده هایشان را در مراسم بر شمرد و از دیگر ویژگی آن اتحاد و همبستگی تشکلهای و فعالین با هم بود. و از دیگر نکات برجسته مراسم امسال در تهران و سایر شهرها را مستقل برگزار کردن، اعلام مراسم علنی نمودن و گستردگی و اتحاد و یک پارچگی آن می باشد. واقعاً امسال کارگران قصد داشتند به دور از خشونت نیروهای امنیتی و درگیری و زدو خورد روز جهانی کارگر را برگزار کنند و به همین منظور پارک را در نظر گرفتند، اما حضور نیروهای امنیتی فضا را نا آرام و باعث زد و خورد و کتک کاری و دستگیری کارگران و خانواده هایشان گردید. ما کارگران تمام نعمت‌های روی زمین را خلق کرده ایم اما خود از آن بی بهره ایم و این حق ماست که از زندگی در شان انسان برخوردار باشیم و برای رسیدن به آن تلاش و اعتراض کنیم و حق ماست که هر طور دلمان بخواهد این روز را جشن بگیریم و باید مراسم مستقل این روز به رسمیت شناخته شود. این مراسم اعتراض ما کارگران به کلیت سیستم سرمایه‌داری در سراسر جهان است.

3- هما‌نطور که میدانیم روز جهانی کارگر روز اعتراض کارگران به تمام نابرابری‌ها و بی عدالتی‌هایی است که سیستم سرمایه‌داری به ما و بشریت تحمیل نموده است. این روز متعلق به تمام کارگران و مزد بگیران جهان است. برای ما کارگران این روز یاد آور جانفشانی‌ها و و از خود گذشتگیهای هم طبقه‌ای‌هایمان در طول تاریخ سیستم طبقاتی بخصوص سرمایه داری در سراسر دنیاست. مراسم این روز را برگزار میکنیم تا در ضمن بزرگداشت و یاد بود کارگرانی باشد که برای تحمیل خواسته‌هایی مانند: کاهش ساعت کار، امنیت شغلی، بیمه‌های بیکاری و درمانی، برابری حقوق زن و مرد، شرایط بهتر کار و ایمنی، حق ایجاد تشکل و در کل گرفتن سهم بیشتری از دسترنج تاراج شده‌مان از سیستم سرمایه‌داری با شجاعت، تلاش و تحمل شکنجه، زندان، تبعید، شلاق، اخراج و..... کوشیدند از حقوق و کرامت ما کارگران دفاع کنند. ما در این روز در ضمن برای اعتراض به زندگی سرشار از فقر، بیکاری، بی حقوقی، بی مسکنی، اخراج و دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر و در کل برای خلاصی از تمام تبعات شوم این سیستم، و برای حق ایجاد تشکل‌های مستقل و طبقاتی و واقعیمان به میدان میاییم و اعتراض می کنیم. خواسته‌ها و مطالباتمان را بیان نموده و

برای تحمیل آن به سیستم سرمایه‌داری تلاش می‌کنیم. این میسر نمی‌شود مگر با اتحاد و یکپارچگی ما کارگران، و پشتیبانی و حمایت از هم طبقه‌های هایمان در سراسر دنیا، چون ما کارگران بجز نیروی خود و مخصوصاً نیروی متشکلمان در این دنیای نابرابر چیزی نداریم، و قدرت و توانای ما در همین نیرو و اتحاد ماست. سرمایه داران قدرت مالی دارند، دادگاه و پلیس و ارتش دارند و از آنها حمایت می‌کنند. در مقابل، ما کارگران اکثریت نیروی عظیم جامعه بشری هستیم و تولیدکنندگان تمام نعمتهای این جامعه می‌باشیم، پس قدرت ما در نیروی سازمان یافته‌مان نهفته است و باید متشکل شده و متحد باشیم و با قدرت سازمان یافته و اتحادمان خواسته‌هایمان را به سرمایه‌داری تحمیل نماییم. و در این مبارزه با همکاری و همدلی بیشتر متحدانه در مراسم روز جهانی کارگر شرکت کنیم. این روز مختص به کارگران است و باید بدور از هرگونه تفرقه و نگرش فرقه‌ای مانع از ایجاد شیوه‌ها و نگرش‌های غلط و تفرقه انداز بوده و مانع بر هم زدن این اتحاد و یکپارچگی شویم و مراسم و اعتراض خود را هر چه با شکوه‌تر برگزار کنیم.

4- همانطور که گفتیم هدف ما، برگزار کنندگان مراسم روز جهانی کارگر، این بود که به نیروهای امنیتی امکان ندهیم که بهانه‌جویی کنند، حمله کنند و مراسم و آرامش ما را بهم بزنند. دقیقاً به همین خاطر بود که پارک امیریه را برای تجمع و برگزاری مراسم انتخاب کردیم. اما معلوم گشت که عوامل سرمایه حتی از انعکاس و بیان درد دل و خواسته‌ها و مطالباتمان در پارک هم می‌ترسند. پس در همان ابتدا حمله کردند و ما کارگران، زن و مرد باهم، متقابلاً از خود دفاع نمودیم. حتی کودکان ما به حمله‌های وحشیانه پلیس پاسخ دادند. از خاطره های بیاد ماندنی این روز دفاع و مقاومت جانانه زنان و کودکان در مقابل حملات آنان بود. این حملات در دل کودکان ما تخم نفرت را کاشت. پسر 9 ساله من که آرزوی پلیس شدن را داشت بخاطر برخورد غیر انسانی و ناشایست پلیس، آرزویش را به دور ریخت و از این شغل بیزار گشت.

صدیق سبحانی هشتم کارگر اخراجی نساجی کردستان عضو " کمیته هم‌هنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری "



ضمن سلام و خسته نباشید به دوستان حاضر در این گفتگو که قرار است در باره اول ماه مه 2009 صحبت کنند.

باید بعرض برسائیم، برگزاری مراسم روز جهانی کارگر، اعتراض به تمامی مناسبات سرمایه‌داری جهانی است. و گرامی داشت یاد و خاطره و فدا کاریهای انسانهای سوسیالیست، صادق و شریفی است که برای رهائی انسان از هر نوع نابرابری، بی عدالتی های اجتماعی، اقتصادی، بی حقوقی در مناسبات ظالمانه بورژوازی و برای یک زندگی، که در شأن انسان باشد جان دادند، که باید این روز برگزار شود. این روز، روز همبستگی و اتحاد طبقه ی کارگر در سراسر جهان در مقابل سیستم سر مایه دارای است. ویژگی برگزاری اول ماه مه 2009 میلادی در این بود که جمعی از کارگران و فعالین و تشکلات کارگری، جدا از گرایشات فکری و سلیقه ای به عنوان یک خواست طبقاتی بر علیه مناسبات سرمایه داری متشکل تر بودند و در کشور ایران این اتحاد و همبستگی مایه ی دلگرمی، بود. در مراسم یک مه 2009 در ایران، تشکلات و نهادهای کارگری به این نتیجه رسیده بودند که با اتحاد و همبستگی در داخل کشور و از طریق همبستگی با هم طبقه ای های خود در سراسر جهان بهتر خواهند توانست کارهای خود را پیش ببرند. این آغاز و نقطه عطفی است برای یک مبارزه ی متحد علیه مناسبات و سیستم سرمایه داری جهانی. من به این دلیل به پیشروی مبارزات آینده طبقه ی کارگر و تقویت مبارزه در راه رهائی از مناسبات سیستم سر مایه داری خوشبین هستم. مراسم روز جهانی کارگر - 11 اردیبهشت - سال 88 در شهر سمنان که در پارک امیریه برگزار شد نسبت به مراسم های روز جهانی کارگر در سالهای گذشته تفاوت زیادی داشت. به این دلیل که چند تشکل کارگری در یک صف واحد- صف طبقاتی- قرار گرفتند. شاید بعضی ها سوال کنند که چرا مراسم در پارک امیریه برگزار شد و در داخل شهر برگزار نگردید؟ چند دلیل داشت 1- جو شهر سمنان متشنج و نا امن بود. 2- برای اینکه بهانه ای به دست پلیس داده نشود تا سرکوب کنند. 3- گرچه شهر مال ماست و اکثریت ساکنان شهر از برگزاری مراسم روز جهانی استقبال میکنند، ولی نخواستیم بهانه به دست پلیس بدهیم تا ما را آشوبگر و مخل نظم عمومی قلمداد کنند. 4- حضور تعداد بیشتری از خانواده های کارگری. 5- اینکه تا نابرابری و بی حقوقی، بیکاری، اخراج و ستم باشد، مبارزه در هر شرایطی وجود خواهد داشت. به نظر من برگزاری مراسم اول ماه مه ی - روز جهانی کارگر در

پارک امیریه سنندج موفقیت آمیز بود. هر چند قبل از برگزاری مراسم نیروی امنیتی و انتظامی و پلیس در آنجا حضور داشتند اما حدود ساعت 17 مراسم شروع شد. این مراسم متأسفانه با حمله پلیس رو برو، و پلاکارد ها و قطعنامه را پاره و حاضرین را مورد ضرب و شتم قرار دادند. پلیس و لباس شخصی با استفاده از اسپری های بی حس کننده و مشت و لگد سعی در متفرق کردن و دستگیری ما را داشتند. در این میان پلیس حتی به صورت کودکان اسپری می پاشید و زنان و مادران آن کودکان را مورد ضرب و شتم قرار میداد که در این رابطه چند نفر دستگیر و بعد از 24 ساعت با قرار وثیقه از زندان آزاد شدند. در صبح همان روز هم تعدادی از فعالین را به اداره اطلاعات سنندج احضار تا از برگزاری این روز جلو گیری بعمل آورند. به نظر من ما کارگران برای اینکه از این بگیر و ببندها رها شویم احتیاج داریم از تفرقه پرهیز کنیم و برای ایجاد تشکل های واقعی کارگری تلاش و فعالیت کنیم. واقعا تشکل کارگری در هر کارخانه و هر کارگاهی برای زدودن بی حقوقی، اخراج و بیکاری و جلو گیری از استثمار کارگران از سوی سرمایه داران و کارفرمایان لازم است. تا زمانی که طبقه کارگر تشکلات کارگری خود را بوجود نیآورد و بدنه کارگری دخالت گر نباشد چیزی تغییر نخواهد کرد. تنها راه راهائی کارگران از این شرایط اسفناک، اتحاد طبقاتی آنها در تشکل های خود ساخته و طبقاتی می باشد که باید به نیروی خود کارگران ایجاد شود. تنها با اتحاد کارگران است که امکان تغییر بوجود خواهد آمد. در آخر مجدداً، از کلیه دوستان در این گفتگو و شما بهزاد عزیز تشکر می کنم. به امید آزادی کلیه کارگران در بند و پیروزی طبقه کارگر!



منصور کریمیان هستم. با سلام و درود به خدمت شما دوست عزیز که این مجال را فراهم نمودید. ضمن ابراز همدردی و همدلی با تمامی کارگران اخراجی و تمامی کارگران بیکار، تشکر و قدردانی میکنم از تمامی کارگران، رفقا و شهروندانی که با شرکت و حضور در روز 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر (1 می) با وجود شرایط پلیسی و امنیتی که از چندین روز قبل از برگزاری روز جهانی کارگر، چندین نفر از رفقای فعال در عرصه های کارگری را بازداشت نموده بودند، اما گرامی داشت این روز پر شکوه را از یاد نبردند. صمیمانه دست مادران و پدرانی را که بدون هیچ دلیل توجیه پذیری بازداشت و زندانی شدند را می بوسم واز ایشان برای همگام بودن در این راه سپاسگزارم. دوستانی که در این روز در سنندج و تهران مورد هجوم واقع و دستگیر و بازداشت شدند. با بیان این مقدمه کوتاه به بحث اصلی باز می گردم.

من در سال 1363 در شهر سنندج چشم بدنیآ گشوده ام، در یک خانواده با داشتن پدری کارگر و مادری خانه دار. و اما در مورد برگزاری روز جهانی کارگر امسال به عرض میرسانم که خود نیز کارگر هستم، و این روز را روز خود میدانم. در این روز کارگران جدای از رنگ و پوست و نژاد و مذهب دست به اعتراض میزنند و از اهداف خود دفاع می کنند تاریخ مبارزه کارگری در ایران به یاد دارد که کارگران شرکت نفت در انقلاب سال 57 نقش تعیین کننده ای در سرنگونی رژیم پهلوی داشتند و بدون نقش آنان انقلاب پیروز نخواهد شد. اما حالا پس از گذشت 30 سال چرا هنوز این طبقه نباید از جایگاه ویژه ی خود و امتیازات درخور شأن انسانی برخوردار باشند؟ در این مراسم حضور یافتن تاز مطالبات برحق خود و دیگر کارگران دفاع نمایم و جهانیان نیز بدانند که طبقه کارگر ایران در چه وضعیت نابسامانی، در زیر خط فقر مطلق، روزگار را سپری میکنند و نظام سرمایه داری همچنان به استثمار ظالمانه خود ادامه میدهد.

از دید من هر انسانی که پا به عرصه ی وجود میگذارد شایسته ی یک زندگی والا، و انسانی است و باید از تمامی امکانات بر خوردار باشد. اما با نبود تامین اجتماعی و بیکاری میلیونی، درصد عمده ی جمعیت ایران که کارگر میباشند، از عهده ی مخارج زندگی ساده ی خود برنمی آیند. در زمانی که شاغل هستند، شرایط سختی کار و ساعات طولانی کار، چنان خسته کننده است که حتی یارای ابراز محبت و دلگرمی با خانواده خود را از دست میدهند. من باور دارم که انسانها باید در شرایط برابر در تمامی شئون از یک زندگی انسانی بر خوردار باشند و با همین ذهنیت در مراسم روزی که حق مسلم کارگران است شرکت کردم. به نظر من هدف از برگزاری روز جهانی کارگر گردهم آمدن و گردهم آوردن تمامی کارگران است تا با اتحاد و یکدلی تمامی تفکراتی که در طول

روز ملکه ی اذهانشان است اعم از: بیمه بیکاری، تأمین اجتماعی، بهداشت و درمان رایگان برای همه، یکسانی حقوق کاری زنان با مردان، و... خواستار شوندد. در مورد راهکار خود را در حد و اندازه ای (به دلیل بی تجربگی) نمیبینم که بتوانم یا بخواهم راهکاری ارائه دهم.

کارگران و زحمتکشانی که در روز جهانی کارگر در پارک جنگلی امیریه ی سنندج حضور به هم رساندند با اینکه می دانستند در شرایط کاملاً پلیسی و امنیتی قرار دارند و هر لحظه امکان برخورد نیروهای امنیتی احساس میشد، باز هم بر حق مسلم خود که بر گزار ی مراسم بود پای فشاری کردند و با در، دست گرفتن تراکت های کاغذی که روی آن نوشته شده بود: کودکان کار، تبعیض و غیره با ضربدری به رنگ قرمز روی آنها خط کشیده شده بود و همچنین در دست گرفتن پلاکاردهای قرمز رنگ پارچه ای که با رنگ سفید روی آن شعارهایی همچون گرمی باد روز جهانی کارگر و چند جمله ی دیگر نوشته شده بود، که آن ها را خوب به یاد ندارم مراسم شروع شد. هم زمان با این، شیرینی و شکلات در میان حاضرین پخش می شد. یکی از رفقا شروع به خواندن قطعنامه کمیته ی برگزار کننده ی 1 می، نمود که هجوم نیروهای امنیتی شروع و تمامی تراکت ها و پلاکاردها را به زور از ما ربودن و شروع به متفرق کردن جمعیت کردند که حاضرین هم چنان که از پله های پارک به طرف پایین می آمدند با سر دادن شعارهایی نظیر زنده باد طبقه ی کارگر، کارگرزدانی آزاد باید گردد، و شعار های دیگری که الان بیاد ندارم پله ها را پایین آمدند که نیروهای امنیتی با پاشیدن اسپری به سر و صورت و ضرب و شتم کردن من، هجوم خود را آغاز کردند که رفقا و کارگران حاضر در آنجا خواستار رهایی من از دست مأموران بودن که اهانت و فحاشی و ضرب و شتم از آنان نیز دور نماند به طوری که حتی زنان و کودکان نیز مورد کتک کاری شدید قرار گرفتند هر چند که چشمان من بر اثر پاشیدن اسپری دارای سوزش درد ناکی بود، اما از داخل ماشینی که ما را به بازداشتگاه منتقل میکرد میدیدم که چگونه همه را مورد اذیت و آزار قرار میدهند و حتی معلوم نبود که چه چیزی را گم کرده بودند که اینچنین به تفتیش داخل کیف ها می پرداختند. یک نکته قابل توجه این بود که زمانی که در داخل ماشین با دست بسته و چشمانی کاملاً

سوزان نشسته بودم متوجه شدم که یک پسر 14 ساله را نیز بازداشت کرده اند که هر چند مادرش تلاش می کرد که وی را از زیر دست آنان نجات دهد موفق نشد و ناچاراً در یک لحظه که درب ماشین باز شد مادرش نیز داخل ماشین شد و گفت که باید پسر من را آزاد کنید یا من هم با او میایم، که مأمورین بدون هیچ توجهی او و پسرش را نیز بازداشت کردند. و ما را با دست و چشمان بسته به بازداشتگاه انتقال دادند. در آنجا دقایقی منتظر ماندیم تا مأمورین آمدند. با آمدن آن ها هر نفرمان یک پس گردنی دریافت کردیم و بعد، من را از چند پله و راهرو بالا بردند. در آنجا من را به حالت **جوجه فنگ** در آورده و یکی از مأمورین با **یک تکه کابل کتک کاری کف پاها**یم را شروع کرد که هنوز تصاویری از اثر آن ضربات وجود دارد. بعد از چند لحظه مأمور دیگری بالای سر من آمد و با توهین و فحاشی، پایش را روی گلویم گذاشت و به اندازه ای فشار آورد که دیگر نتوانستم نفس بکشم و بی هوش شدم و وقتی که به هوش آمدم حس کردم که صورتم در اثر ریختن آب خیس



است. چند دقیقه ی دیگر کتک کاری ادامه داشت تا از همان راهرو و پله ها پایین آورده شدم و آن گاه بازجویی ها شروع شد که تمام هم و غم بازجو بر این بود که مرا به داشتن رابطه ی حزبی متهم کند اما آنچه واقعیت داشت چیز دیگری بود و او هم میدانست که من فقط یک کارگر هستم نه فعال حزبی. بعد از بازجویی ما را در همان بازداشتگاه که شامل 3 یا 4 اتاق بود نگه داشتند. ما 4 نفر را در یک اتاق و 2 خانم دیگر را در اتاق روبروی ما بازداشت کردند. تا وقت شام هیچ خبری نبود. در آن وقت بود که مأمورین با 1 عدد تن ماهی و چند تکه نان برای 6 نفر پیدایشان شد. در بازداشتگاه یکی از خانم ها بر اثر درد دستش تقاضای داروی مسکن کرده بود، اما در خواست وی بی جواب ماند. 1 ساعت بعد از شام آن طور که فهمیدم خانم ها را به مفاسد اجتماعی منتقل کردند و ما تا فردای آن روز هیچ خبری از آنان نداشتیم. به هر حال صبح روز بعد با چشمان بسته تا میدان بسیج و دستان بسته به دادگستری منتقل شدیم و پس از چند دقیقه 2 نفر خانمی که با ما بازداشت شده بودند همراه با 2 نفر مأمور زن به دادگاه منتقل شدند و ما خود را در جلو شعبه ی 4 دادیاری یافتیم که با دیدن دوستانمان برای دلگرمی و پشتیبانی از ما آمده بودند بسیار خوش حال شدیم که صمیمانه از تمامی این رفقا ممنون و سپاسگزارم و دست یکایک آنان را به گرمی می فشارم. پس از جواب دادن به چند پرسش برای هر کدام از ما قرار وثیقه ی 3 میلیونی صادر شد که به همت یکی از دوستان که

زحمت این وثیقه را بر ما آسان نمود فعلاً آزاد شده ایم و منتظر دادگاهی بعدی هستیم. و بعد از این که مأمورین در پارکینگ دادگستری وسایلی را که در جیب هایمان بود را به ما پس دادند جلو پارکینگ ما را رها کردند و چند قدمی که راه رفتیم رفقا را دیدم که همچنان منتظرمان بودند. همین که به آن ها رسیدیم سلام و احوال پرسی و روبوسی شروع شد و سوار ماشین شدیم تا فضای چمن کاری شده ی انتهای خیابان ژاندامری و وقتی به آن جا رسیدیم رفقای دیگر را دیدم که همه با دل نگرانی منتظر همه ی ما بودند و با تقدیم شاخه های گل رز قرمز به پیشوا زمان آمدند که از تمامی رفقای که به پیشوا آمدند یا حتی بعد از آن جویای احوال بوده اند و از من عیادت کردند بسیا فراوان سپاس گزارم.

دوستانی که با من دستگیر شده بودند عبارتند از:

شب بو خلیلی (گلریز) - شیوا سبحانی - فرزام عبدی (14 ساله) فرزند شب بو خلیلی - بابک باجلانی - فایق کیخسروی - و خودم (منصور کریمیان)

از شما به خاطر امکان این گفتگو متشکر هستم. دست شما را به گرمی میفشارم.



عمر مینائی هستم. عضو " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری "

در ادامه صحبت های دوستان، من می خواهم به صورت تحلیلی در رابطه با مراسم روز جهانی کارگر بیان و بحث خود را تقسیم بندی و به خدمت شما تقدیم کنم.

مراسم های اول ماه مه و پیشروی در آینده

قیل از مراسم

1- مراسم اول ماه مه برای ما کارگران، میدان یک رویارویی طبقاتی با سرمایه دارن است. فعالین کارگری هر سال باید به مسایل مهمی فکر کنند و موانع زیادی را از بین ببرند تا بتوانند مراسم ها را به خوبی و با پیامها و خواسته های طبقاتی و مهم برگزار کنند. طبعاً هر سال مراسم ها و تحرکات کارگری در دل شرایط سیاسی، مبارزاتی و روحی خاصی پیش میرود. فعالین کارگری مسائل مورد نظر را در دل اوضاع بررسی میکنند. امسال میدانستیم که مدافعین سرمایه از همیشه مصمتر هستند که اجازه برگزاری هیچ نوع مراسمی را ندهند. آنها بسیاری از فعالین کارگری و علی الخصوص اعضای " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری " را به طور مستقیم و یا غیر مستقیم تهدید کردند تا در هیچ مراسمی شرکت نکنند. آنها حتی به ، خانه کارگر هم اجازه ندادند مراسم بزرگ و در محیط باز برپا کنند ، چون میدانستند که کارگران رادیکال مثل سالهای گذشته در آن دخالت میکنند. پس ما باید فکر می کردیم که با چه شیوه کاری مراسم های بزرگ و حتی المقدور درون شهری بگیریم. میدانستیم که برگزاری مراسم هزینه های خاص خود را دارد. طبیعتاً پرداخت هزینه ی غیر معقول شایسته نیست. پس می باید با توجه به شرایط همه چیز را بر رسی کرد. برایمان آشکار بود که برای تغییر تناسب قوا باید مبارزه کرد. درست است که نیروهای سرکوبگر آمادگی زیادی داشتند، اما میدانستیم که در کنار وضعیت بحرانی دولت، روحیه اعتراضی کارگران بالاست. در عین حال میدانستیم که شرکت کنندگان در مراسم ها نباید محدود به فعالین باشند. میدانستیم که عوامل سرکوب تلاش خواهند کرد در حین برگزاری مراسم فعالین را دستگیر کنند. کارگرانی که همراه فعالین در مراسم ها شرکت کردند و نیز خانواده ها باید اجازه نمیدادند مأمورین آنها را بگیرند. اتفاقاً حدس ما درست بود و در مراسم شهر سنندج مأمورین حمله بردند تا فعالین را بگیرند. اما کارگران و مخصوصاً خانواده ها اجازه ندادند چند تن از فعالین مورد نظر دولت، دستگیر شوند.

2- امسال یکی از مسایل مهم برای همه فعالین و تشکل ها، اتحاد و همبستگی طبقاتی بود. کمیته ی برگزار کننده ی مراسم اول ماه مه، در این مورد وظیفه ی سنگینی به عهده داشت. همه قبول داشتیم که باید قطعنامه

مشترک باشد. باید مشترکاً روی مراسم و برنامه‌ها تصمیم می‌گرفتیم. روی قطعنامه کار زیادی انجام گرفت. هم محتوا و خواسته‌ها مهم بود و هم وحدت. این دو میبایست با هم جلو می‌رفتند. کمیته برگزاری شامل نمایندگان گرایشها و باورهای مختلف بود. هر طیفی می‌بایست یک جایی کوتاه می‌آمد تا اتحاد عمل حفظ شود. در ضمن قطعنامه باید سطح توقع و آگاهی کارگران و روحیه مبارزاتی آنها را منعکس می‌کرد. بالاخره به نتیجه خاص خود رسید، ضد سرمایه‌داری بود، روحیه‌ی انترناسیونالیستی کارگران را نشان میداد. خواسته‌های مبرم را بیان می‌کرد. قطعنامه کم و کسری داشت، ولی کم و کسریها جدی نبودند. مهم این بود که قطعنامه نظرات ده تشکل کارگری را منعکس می‌کرد که در بر گیرنده‌ی اکثریت کارگران فعال و سیاسی حائز اهمیت است، برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه در شهرستان سقز است. مراسم اول ماه مه در سقز با وجود جو پلیسی و حتی وجود عده زیادی از نیروهای امنیتی در محل برگزاری مراسم، کارگران و فعالین کارگری مراسم روز جهانی خود را همگام با هم طبقه‌ای‌هایشان در سراسر دنیا به صورت باشکوهی برگزار کردند و هیچ قدرتی را توان مقابله با آن نبود. چرا که کارگران و فعالین کارگری متحد و یکپارچه با درک طبقاتی و متکی بر نیرو و توان خود، در کنار هم با عزم راسخ به میدان آمدند و یکبار دیگر به هم طبقه‌ای‌های خود پیغام دادند که کارگر متحد و آگاه بر منافع طبقاتی در هر شرایطی در مبارزه علیه سرمایه‌داران و استثمارگران پیروز است.

بعد از مراسم

مدافعین سرمایه امسال مراسم مستقل داخل سالنها را تحمل کردند. در واقع سطح مبارزاتی جنبش کارگری به جایی رسیده که مدافعین سرمایه نمی‌توانستند آنرا در نظر نگیرند.

مبارزات چند سال گذشته و برگزاری مراسم، سالهای اخیر این را تحمیل کرد. آنها دیدند که نه زندان کار ساز است و نه تنبیه‌های قرون وسطائی شلاق زدن. پس تسلیم شدند. اما آنها به مراسم داخل پارک لاله در تهران و داخل پارک امیریه در سنجند حمله بردند. گزارشها همه پخش، کمیته هماهنگی راجع به آنها اطلاعیه داده است. نکته‌ی که باید گفت اینست که سرکوبگران خیلی با عصبانیت و با وحشیگری حمله کردند. گویا فکر کرده بودند که اقدامات و مانورهایشان کارگران پیشرو را ترسانده است. اما دیدند اینطور نیست. دیدند کارگران نترسیده‌اند. از چه بترسیم. شب و روز و سالها و ماهها کار کرده‌ایم. حاصل دسترنجمان غارت شده. حقوق کارگری و انسانیمان سلب شده. ما صاحب جامعه‌ایم. ما حق داریم مراسم روز جهانی خود را به شکلی که خودمان دلمان می‌خواهد برگزار کنیم. ما حق داریم روز جهانی خود را در داخل شهرها برگزار کنیم. وقتی مراسم می‌گیریم، می‌گویند نظم بهم خورده. خوب نظم را شما بهم می‌زنید. شهرها مال ما و مردمی هستند که پشتیبان ما هستند. ما و این مردم در نهایت نظم، مراسم می‌گیریم. از مالیاتهای ما به آنها حقوق میدهند که از مراسمها حفاظت کنند. اما آنها به جای حفظ نظم، به ما و دوستان ما، به بچه‌های ما حمله میکنند. آنها را طوری تربیت کرده‌اند که علیه مردم باشند. در حالیکه آنها باید خدمتگزار مردم و کارگران باشند.

دستاوردها:

ابتدا اشاره کنم که امسال با توجه به شرایط خاص منطقه و وضعیت حامیان سرمایه در ایران، هر حرکت منسجم و اعتراضی‌ایی جایگاه خاص خود را داراست.

مزد بگیران به طور عام و طبقه کارگر به صورت خاص ناچارند هرروزه بر اعتراضات خود و اتحاد و همبستگی طبقاتی خود بیفزایند چون در طول چند سال اخیر عملاً دریافته‌اند که مبارزه منفرد یا شکست می‌خورد و یا دست آورد آنچنانی در پی نخواهد داشت. بنابراین هرچند حرکت امسال را نمی‌توان بدون نقص برشمرد و بیش از 150 نفر از شرکت کنندگان در مراسم اول ماه مه را دستگیر و بازداشت کردند، این البته ضرری بزرگ است. دوستان ما را صاحب پرونده‌ی جنائی میکنند. وثیقه‌های زیاد از آنها می‌گیرند تا آزادشان کنند. اما در عین حال موجب زیاد شدن شهرت آنها میشوند. کارگران آنها را بیشتر می‌شناسند. شجاعت آنها را ستایش میکنند. احترام و اعتمادشان نسبت به آنها زیاد میشود. آنها سرمایه‌های ارزشمند

جنبش کارگری میشوند. مراسم اول ماه مه نشان داد که جنبش کارگری تنها جنبشی است که در میدان است و دارد پیشروی میکند. این به جنبشهای، جوانان و زنان و جنبش های مدنی و مبارزاتی اعتماد به نفس میدهد.

اتحاد در مبارزه، اولین گام مثبت برای رسیدن به هرخواستی است. برجسته ترین گام اول مه امسال، اتحاد فعالان کارگری و کارگران معترض است که علیرغم دیدگاه های متفاوت، ضرورتاً دریافتند که مبارزه برای تغییر جامعه احتیاج به اتحاد و همبستگی دارد و این اتحاد علیرغم هرضعفی که داشته باشد گامی مثبت است در روند رو به رشد مبارزه طبقاتی کارگران.

از دیگر سو، این اتحاد و همبستگی در توازن نیرو به سود طبقه ی کارگر مثبت بوده که نشانه های آن را میتوان در برخورد و احضار فعالان کارگری به طور عام و اعضای کمیته هماهنگی به طور خاص ارزیابی کرد که این فعالان چگونه مدافعین سرمایه داری را در مقابل عزم راسخ خود به تسلیم واداشتند. ما مصمم هستیم که با اتحاد و همبستگی طبقاتی و به اندازه ی توانمان پیشروی را ادامه دهیم؛ تشکلهای جدیدی ایجاد کنیم؛ تشکلهای موجود را تقویت کنیم. بکوشیم خواسته های بیان شده در قطعنامه و همچنین آزادی دستگیر شدگان اول ماه مه و کارگران زندانی را تحمیل کنیم.

در آخر من هم به نوبه خود از شما دوست گرامی، بهزاد، تشکر کرده و برای تمامی کارگران و فعالین کارگری آرزوی موفقیت را دارم.

کاوه اردلان، فعال کارگری - ایران

چند - هیچ به نفع جنبش کارگری!؟

نوشته ای درباره ی مراسم اول ماه مه سال 88

اشاره: در پاسخ به سولاتی که حول و حوش برگزاری مراسم روز جهانی کارگر امسال در تهران شده است، درست تر دیدم که برای یک بررسی نسبتاً دقیق تر، به شکل و ترتیبی که در متن ذیل آمده است به بررسی جنبه های مختلف این اتفاق بپردازم. امید که قدم مؤثری باشد.

مراسم های مختلف اول ماه مه امسال؛ تفاوت ها و اشتراکات

درباره ی مراسم های اول ماه مه - روز جهانی کارگر - در سال 88 گزارش ها و مطالب مختلفی نگاشته شده است. یکی از نکات مشترک مراسم های برگزار شده در شهرهای مختلف ایران، قطعنامه ی سراسری بود که توسط تشکل های مستقل جنبش کارگری ایران اعلام شده بود. در شهرهای مختلف متناسب با امکانات، توازن قوا و پیشینه ی برگزاری مراسم در سال های پیش، مراسم هایی با شکل های مختلفی برگزار شد. نکته اساسی و مهم دیگری که در همه ی آنها مشترک بود، این است که اکثر گروه های کارگری در شهرهای مختلف در مراسم امسال، در فرم و محتوای مراسم نسبت به سال قبل خود پیشروی داشته اند.

واقعیتی دیگر این است که قدرت کارگران در اجرای مراسم و درجه ی عقب نشینی حاکمیت در جاهای مختلف متفاوت بوده است، اما مقایسه توان کارگران هر شهر با شهر دیگر به طور کلی نمی تواند قیاس درستی باشد ولی می تواند به عنوان تجربه مورد دقت کارگران قرار گیرد. به عنوان مثال اگر به برگزاری مراسم امسال در سقزو عقب نشینی قابل توجه حاکمیت و پیشروی کارگران سقز نظری بیفکنیم آن را یک موفقیت بزرگ خواهیم یافت؛ اما آیا لزوماً این امکان در تهران یا جای دیگری می توانست به وجود آید؟ در این مورد مصاحبه ای که با محمود صالحی در مورد تاریخچه ی برگزاری مراسم اول ماه مه انجام شده است، نشان می دهد چگونه کارگران سقز برای رسیدن به موقعیتی که حالا دارند، هزینه ها و تجربه های قابل ذکری را از سرگذرانده اند.

درواقع موقعیتی که اکنون ایجاد شده، نسبت مستقیمی با زمینه ی پیشین و حاصل پراتیک مشخص آنان در گذشته است. سطح حرکت در هر جا نتیجه ی مشخص حرکت های پیشین آنان است و مقایسه صرف حالای یک جا با جای دیگر، از نظر دورد داشتن دیروز. پراتیک هر

کدام از آنان است. به هر حال اما برای ما کارگران کنکاش در امروز و گذشته و سطح رادیکالیسم کارگران دیگری تواند درس آموز و مثر باشد.

در این گزارش- مقاله قصد بر تمرکز بر مراسم اول ماه مه در تهران است. و نیز لازم به اشاره است که این نوشتار بیش از هر چیز متکی بر مشاهدات عینی و نیز استناد به اطلاعاتی ها و متون منتشر شده توسط کمیته ی برگزاری مراسم روز جهانی کارگر - سال 88 است.

پیش از ورود به این سوال که ویژگی های گوناگون مراسم روز جهانی کارگر امسال در تهران چه بود ، لازم می دانم اشاره ای کوتاه به لزوم و چرایی و جنبه های مختلفی از اهمیت برگزاری مراسم روز جهانی کارگر - در کلیت آن - داشته باشم و سپس به مراسم امسال در تهران خواهم پرداخت.

چرا مراسم روز جهانی کارگر برای ما کارگران یکی از باید هاست؟

همیشه قصد نظام سرمایه و استثمار این بوده است که کارگران هرگز متوجه وجه اشتراک پشت پرده ی مناسبات سرمایه داری نشوند و برای این هدف ، دستگاه فکری- عقیدتی- تبلیغاتی خود را با تمام قوا بسیج میکنند. کارگران فکری- فیزیکی و همه قشرها و لایه های مختلف طبقه کارگر همگی در یک چیز مشترک هستند و آن عبارتست از تولید تمام ثروت های مادی - معنوی جامعه ؛ در حالیکه خود از آن بهره ای ندارند. البته به او فقط تا اندازه ی بهره میدهند که با آن زنده بمانند تا باز در خدمت ایجاد سود برای کارفرمایان و سرمایه داران - دولتی و خصوصی - باشند. درک مشترک از این واقعیت عظیم ، یک آگاهی اساسی است که می تواند نظام سرمایه داری و دولت ها و دستگاه های سرکوب گرضایی- امنیتی و نظامی حامی آن را در معرض تهدید قرار دهد. اجتماع همگانی لایه های گوناگون اما هم سرنوشت و هم ماهیت طبقه کارگر در یک روز و نه تنها در یک کشور بلکه در سطح جهان، در روز جهانی کارگر تأکید بر همین واقعیت است. چه اینکه اجتماع همگانی کارگران در این روز علاوه بر امکان طرح مطالبات جاری، این امکان را می دهد تا یک ضرورت اساسی دیگر را حتی اگر در یک برنامه ی یک روزه باشد را مطرح نمایند و آن هم عبارتست از اینکه کارگران به جز اتحاد و دور هم گرد آمدن ابزار دیگری برای قدم به قدم عقب نشاندن نظام سرمایه داری ندارند. گرد هم آمدنی که در شکل کامل تر آن، باید و لزوماً در هر واحد صنفی- تولیدی - خدماتی باید منجر به ایجاد تشکل های مستقل کارگری و سپس پیوستن قدرت اتحاد این تشکل ها برای ایجاد سامانه ی سراسری کارگری محلی، کشوری و جهانی شود. از طرفی علاوه بر طرح مطالبات روزمره در این مراسم ها و علاوه بر به نمایش گذاشتن جنبه ای از اتحاد و همبستگی و گردهمایی کارگری، مراسم روز جهانی کارگر یاد آور واقعیت بزرگ دیگری نیز هست؛ واقعیتی که تاریخ مبارزه طبقاتی کارگران و رویارویی این طبقه با نظام سرمایه داری را یاد آور می شود. جان باختگان بسیاری از میان کارگران علاوه بر پیش بردن مطالبات اساسی کارگران، در مراحل مختلف تاریخی دستاوردها و حقوق اجتماعی - سیاسی- اقتصادی بسیاری را برای تمامیت جامعه انسانی به ارمغان آورده اند.

بسیاری از حقوق دموکراتیک امروزه ی موجود در جهان، چیزی نیست جز حاصل مبارزات طبقه کارگر که برای این دستاوردهای بشری، از جان و مال و خون خود هزینه کرده است. اگرچه تکمیل روند دستیابی به لایه های واقعی و عمیق دموکراسی نیز همواره مد نظر پیشروان طبقه کارگر بوده است. اما به هر حال حتی دموکراسی های نیم بند و ظاهری موجود هم، چیزی جز امتیازهایی نیست که سرمایه داری در عقب نشینی های خود به کارگران داده است.

روز جهانی کارگر، یاد آور و تأیید همه ی این مضامین است. از این رو اهمیت برگزاری مراسم در این روز در سطح جهان فقط به هدف دور هم جمع شدن یا صرفاً جشن گرفتن نیست و حاوی بسیاری از مفاهیم و کدهای مبارزه طبقاتی کارگران است. درست از همین روست که دستگاه های سرکوب قضایی - پلیسی دولت ها، همواره و در جهت حفظ موقعیت سرمایه داران، اقدام به سرکوب اجتماعات مربوط به این روز کرده اند.

اتحاد عمل و این بار خیابان و شهر به جای دشت و کوه

همگان به یاد دارند که در نتیجه ی سنگ بنای با ارزشی که کارگران در سال های قبل در تهران گذاشته بودند، مراسم روز جهانی کارگزار محافل خانوادگی به شکلی علنی و سال ها بعد در دشت خور (در جاده ی چالوس) ادامه یافت. زحمت های بی دریغ کارگران برای این مراسم قابل تقدیر است که در تاریخ جنبش کارگری به نیکی از آن یاد خواهد شد. و یا ابتکار تشکلهای جنبش کارگری در حضور فعالانه در مراسم خانه کارگر در سال 86 و تحمیل شعارها و مطالبات واقعی کارگران به جای مطالبات دست کاری شده و ارائه شده توسط خانه کارگروابسته به حکومت یکی دیگر از اقدامات ارزشمند کارگران بود. در سال 87 قرار بر این شد که مراسم در پارک چیتگر (واقع در اتوبان تهران- کرج) برگزار شود که نیروهای امنیتی از ورود کارگران به پارک جلوگیری کردند و کارگران در پارک جهان نمای کرج مراسم را برگزار کردند.

مراسم سال 88 اما حکایتی دیگر بود ، از آن دست که برای همیشه برگزاری مراسم در سطحی علنی و در میان مردم و در شهر را تثبیت کرد. هم پای گسترده تر شدن سطح اعتراضات کارگری و درست از نتیجه ی پراتیک مبارزاتی کارگران، این بارتلیل تشکل های مستقل جنبش کارگری نیز به نقطه ای غیر قابل اغماض رسید؛ مراسم امسال باید به جای کوه و دشت در وسط شهر و در کنار کارگران بیشتری ، در میان مردم و رو در روی حاکمیت برگزار شود! کارگران دریافته اند که اختلافات نظری نباید باعث شود که بر سر اشتراکات در مطالبات، متحد نشوند. این یکی از دستاورد های ارزشمند ، در سال های اخیر در جنبش کارگری ایران بوده است. دستاوردی که نمی توانست لزوماً و صرفاً از فرمول های – البته درست – تئوری بیرون آید، بلکه بر تجربه ی عملی کارگران و مشاهده کردن نتایج زیان بار جدا کاری در این سالها اتکا داشت. باری بالاخره پس از چند دهه، اتفاقی که باید می افتاد، افتاد.

سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیأت بازگشایی سندیکای کارگران نقاش، شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری، کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، جمعی از فعالین کارگری، شورای زنان و کانون مدافعان حقوق کارگر، به دور از اختلافاتی که حقیقتاً بر مسائلی متفاوت دارند، در ظرف اتحاد عملی به نام " کمیته برگزاری مراسم روز جهانی کارگر 88" گرد هم آمدند. مطالبات و خواسته هایی که از نظر آنان مسائل اصلی و امروزی کارگران ایران بود، در قالب قطعنامه ی کارگران ایران منتشر شد. و فراخوان مشترک برای شرکت در مراسم، تحت نام کمیته برگزاری – از جمله – در تهران و در پارک لاله را صادر کردند.

تا پیش از لحظه اتفاقات روز جمعه 11 اردیبهشت 88 – اول ماه مه – تا همینجا بزرگترین دستاورد برای جنبش کارگری حاصل شده بود. درک همه ی این تشکل ها به لزوم اتحاد عمل، حتی با وجود اختلافات اساسی – نه فقط تاکتیکی بلکه استراتژیک- در دیدگاه ها و عملکرد های این تشکل ها. این نکته خود به تنهایی نوید آن است که تجربه تاریخی طبقه کارگر برای اتحاد – تنها ابزار رودرویی با سرمایه داری – امروز در جنبش کارگری ایران، آن هم به واسطه پشتوانه تجربه ی عملی و پراتیک حاصل شده است.

حاکمیت ، گلیچ و وحشتزده از بیانیی ی مشترک این گروه ها اقدام به ارعاب و پیگرد کارگران کرد. از چندین روز پیش از مراسم، تعداد زیادی از کارگران و فعالان احضار شدند، تهدید تلفنی شدند، تعقیب شدند و جو ارعاب با تمام قوا توسط دستگاه های امنیتی- پلیسی به اجرا گذاشته شد. تصور حاکمیت اشتباه بود. این بار اتحاد عمل ، خواست چند فعال کارگری نبود. بلکه نتیجه ای بود که اکثر تشکل های مستقل جنبش کارگری بر آن اصرار داشتند. همانطور که مراسم بالاخره انجام شد، نکته جالب و شاید حاشیه ای اما بسیار مهم این اتحاد عمل آنطور که از کارگران فعال شنیده شده است این بود که بسیاری از نکات تاریک و گاه برخی سوء تفاهم های میان کارگران فعال در نتیجه ی این اتحاد عمل برطرف شد. و حتی پس از سرکوب مراسم، بیشتر از روزهای قبل از مراسم، کارگران به هم نزدیک شدند.

سرمایه داری از این اتحاد عمل بسیار عصبانی بود و نحوه ی سرکوب مراسم به خوبی نشان دهنده این عصبانیت و اهمیت اتحاد ایجاد شده است. شرح نحوه ی سرکوب مراسم و یورش که به شرکت کنندگان شد، و اینکه بیش از 150 نفر پس از ضرب و شتم دستگیر شدند و یا برخوردهای تهدید آمیز با خانواده های دستگیر شده را کمیته برگزاری در اطلاعیه های شماره یک و دو خود منتشر کرده است و در اینجا نیازی به تکرار آن نیست.

اول ماه مه امسال ، نقطه تلاقی و همبستگی جنبش های اجتماعی:

نه تنها در میان دستگیر شدگان در محل مراسم، بلکه در میان شرکت کنندگان در میدان آب نمای پارک لاله واقعی چشمگیر وجود داشت. تعداد زیادی از معلمان (که در قطعنامه به نام کارگران فکری مورد حمایت قرار گرفته بودند) ، فعالان جنبش زنان (که در بندی از قطعنامه

حقوق اجتماعی-اقتصادی-سیاسی برابر با مردان برای آنان خواسته شده بود)، فعالان دانشجویی و بازنشستگان (که در بند هایی از قطعنامه ی کارگران از آنها پشتیبانی شده بود)، جوانان و فعالین جنبش لغو کارکودک حضورداشتند.

از مدت ها پیش شنیده می شد که گفتگو و نقد و نظربین فعالین کارگری و فعالین جنبش زنان، معلمان، فعالان لغو کارکودک و دانشجویی درحال انجام است. تلاش های طرفین درگیر بحث نهایتاً به لزوم همبستگی بین دست کم بخشی از فعالین این جنبش ها ختم شد. مطالبات تاریخی طبقه کارگروفاق دید جنبش کارگری، تصویری مستدل از این واقعیت است که دلیل تمام استعمار و ستمی که برزنان، کودکان و دیگر اقشار جامعه می شود، ریشه در همان مناسباتی دارد که جنبش کارگری برای محو آن مبارزه می کنند.

ادعا نمی کنم که همه ی طیف های مختلف این جنبش های اجتماعی دقیقاً به این نکته رسیدند و به همان دلیل در مراسم روز جهانی کارگرحاضر شدند ولی دست کم بحث و گفتگوهای طولانی که از سال ها پیش آغاز شده را عامل مؤثری می دانم که نهایتاً باعث شد تمام این جنبش ها بتوانند حداقل، پاره ای از مطالبات خود را در قطعنامه ی کارگران بیابند و نهایتاً در مراسم روز جهانی کارگرحاضر شوند. تعداد دستگیرشدگان از جنبش زنان، دانشجویان و لغو کارکودک بسیار قابل توجه بود. و حضور آنان در مراسم چشمگیر تر.

این اتحاد برسر مشترکاتی هر چند نه حداکثری - ، بین جنبش های اجتماعی ایران یکی از نموده های مراسم روز جهانی کارگر سال 88 بود.

ایستادگی زندانیان و خانواده ها:

پس از آنکه نیروهای سرکوب ، عصبانی و شتابزده به قصد متلاشی کردن فوری اجتماع حاضر در پارک اقدام به ضرب و شتم و بازداشت هر آنکسی که دم دستشان بود کردند، و پس از آنکه تمام خودروهای در نظر گرفته شده برای انتقال دستگیرشدگان پر شد و پس از آنکه تحرک زیادی در میان حاضران در محل مراسم اتفاق افتاد، دستگیرشدگان را به کلانتری ها منتقل کردند و بازجویی های اولیه انجام شد، قرارها صادر شد، مردان را از کلانتری و پلیس امنیت میدان خُر و زنان را از پلیس خیابان وزرا و نهایتاً همگی را به بند 240 زندان اوین منتقل کردند.

یکی از آزاد شدگان نقل کرده است که در شب اول در کلانتری انقلاب بین نیروهای اطلاعات و نیروی انتظامی درگیری لفظی و بعد فیزیکی ایجاد شده است. و ضمن دریده شدن لباس های طرفین برخی در اثر کتک کاری خونین شده اند. گفته شده که نیروی انتظامی بر سر نحوه ی سرکوب و تعداد دستگیری ها و اینکه چرا باید دستگیر شدگان در محل نیروی انتظامی نگهداری شوند با اطلاعات اختلافاتی داشته است.

به قرار تماس هایی که از زندان با خانواده ها گرفته می شد و بر اساس گزارش هایی که آزاد شدگان از اتفاقات زندان ارائه کرده اند ، روحیه ی بالای دستگیرشدگان در تمامی این مراحل مثال زدنی است. جوان تر ها که برخی انتظار داشتند مستأصل، متعجب یا مرعوب شده باشند در کلانتری و در زندان اقدام به خواندن آواز های دسته جمعی و شورانگیز کردند. بزرگتر ها و یا آنانی که قبلاً نیز طعم بند و حبس و سرکوب دستگاه های ضد کارگری را دیده بودند در زندان، فضای حبس را تبدیل به حلقه های بحث و تبادل نظر کردند. برخی با برخی دیگر قرار گذاشتند که پس از آزادی با هم فعالیت مشترک کنند و چه خوب که همدیگر را یافته اند! کسانی از فعالین زنان، از فعالین کارگری و دانشجویی - و برعکس - از هم قول گرفتند که پس از آزادی ترتیب جلسات مشترک و مصاحبه ای دسته جمعی و انتشار آن را بدهند.

دربازجویی های تکمیلی در بند اطلاعات زندان اوین- بند 209 - که طی ساعت ها بازجویی و فشار انجام گرفت، بسیاری از دستگیرشدگان در برابر انبوهی از فشارها و سؤال ها قرار گرفتند تا معلوم شود چه کسی یا چه کسانی ترتیب دهنده مراسم بودند، حال آنکه انگیزه ی این اتحاد عمل و مراسم جایی درست در میان کارگران و مردم بود و دستگیری 150 نفر نمی توانست باعث توقف خواسته چندین میلیون انسان شود.

یکی از نکات غرور آفرین این بود که از طریق آزاد شدگان روزهای اول و یا تماس های تلفنی این خبر به بیرون رسید که زنان زندانی دسته جمعی اعلام کرده اند ما قرار وثیقه های پنجاه تا صد میلیونی را نخواهیم پذیرفت و هیچ اصراری برای آزاد شدن نداریم مگر اینکه بی قید و شرط ما را آزاد کنید.

پس از آن مردان نیز همین تصمیم را گرفتند و خانواده ها نیز روحیه گرفتند و در نهایت ایستادگی زندانیان و خانواده هایشان باعث شد قرارهای وثیقه به قرار کفالت تبدیل شد.

این بدعتی بود که از زنان دستگیر شده آغاز شد و تا جایی که از شهر های دیگر شنیده شده این حرکت زنان و مردان در اوین مورد توجه دیگر فعالین سراسر کشور قرار گرفته است.

دستگیری 150 نفر، نخست از منظر حاضرین عادی در محل و سپس از بعد رسانه ای به ضد خواسته ی حاکمیت بدل شد. خانواده ها با تجمع هر روزه خود در مقابل دادگاه انقلاب و اقدامات اعتراضی دیگر این فضا را شکستند که کسانی که به اتهام اقدام علیه امنیت ملی – تجمع غیرقانونی – برهم زدن نظم عمومی و ... دستگیر شده اند، اتفاقاً هیچ جرمی مرتکب نشده اند و با غرور و کاملاً معترضانانه برای آزادی دستگیرشدگان فریاد کردند. این از طرفی بدین مفهوم است که اگر زمانی زدن هر کدام از اتهامات و انگ های فوق الذکر باعث خاموشی دیگر اعضای خانواده و احتمالاً ترس یا خجالت از بیان این اتهام می شد، این بار خانواده ها لب به اعتراض گشودند. از اتهام بستگان خود سخن گفتند و این پیام را دادند که عزیزان ما مجرم نیستند و ما برای این انگ ها ارزشی قائل نیستیم و آنانی که عزیزان ما را دربند کرده اند، مجرمند.

در روزهای اول با تهدید به دستگیری و تهدید به گاز اشک آور با خانواده ها برخورد می شد.

گفته میشد از شما عکس و فیلم میگیریم و بعداً به حسابتان خواهیم رسید و افرادی از خانواده ها سینه سپر کرده در مقابل دوربین می ایستادند و می گفتند: بفرما عکس بگیر ولی خوب بگیر. عکس خراب نشود!

خانواده ها را از جلوی دادگاه انقلاب پراکنده می کردند. اما آنها باز بر می گشتند. در روزهای بعد دیگر با این جمع کاری نمی توانستند داشته باشند و بسیاری از آنان روی پله ی دادگاه می نشستند. جایی که حتی توقف چند ثانیه ای روی آن به اصطلاح اکیداً ممنوع بود.

یکی از خانواده ها شنیده بود که کسی از مقامات دادگاه حین مکالمه ی تلفنی با عصبانیت به نفر آنسوی خط هشدار می داده که: هر چه زودتر تکلیف پرونده های پارک لاله را مشخص کنید، خانواده هایشان برای ما آبرو نگذاشته اند!

150 نفر دستگیر شده به جز آنان که سابقه ی سرکوب و آزار و زندان توسط حاکمیت را داشتند، همگی در کنار هم چهره ی واقعی تری از نظام سرمایه داری را دیدند. و برای بسیاری از آنان چنانچه خرده توهمی نسبت به ماهیت نظام وجود داشت اکنون این ماهیت برایشان روشن شده است.

از آن 150 نفر در اثر این تجربه ی سرکوب و دستگیری و زندان و بازجویی و محاکمه و به عبارتی این دوره ی کارآموزی آگاهی طبقاتی بیش از چند ده نفر فعال با انگیزه ساخته خواهد شد. از همین رو نه تنها برگزاری مراسم مشترک توسط تشکل های مختلف، بلکه دستگیری ها نیز خود منجر به قدمی رو به جلو شد برای جنبش های اجتماعی ایران و در واقع سرکوب حاکمیت که به قصد ایجاد رعب و وحشت و به عقب راندن فعالین بود، نتیجه ی عکس داد.

خارج از کشور – سطح بین الملل

اتحاد عمل در داخل کشور با وجود جو رعب و وحشت سرکوب تبدیل به پیامی برای خارج کشور شد. در بعد فراکشوری، همین امر باعث ایجاد تحرکاتی در فعالین خارج از کشور شد و تا جایی که گزارش های آن دیده شده، به نحوی، اشکالی از اتحاد عمل و اعتراضات و تجمعات قابل و مهمی توسط آنان اتفاق افتاده است.

در باره ی چند و چون برنامه ها و تحرکات در خارج کشور، بیگمان گزارش های سودمند و نقد و نظرهای مختلف خواهد توانست قدم موثری باشد.

موزه

امروز که این مطلب نگاشته می شود هنوز در حدود 30 نفر از دستگیرشدگان در حبس هستند و تلاش های کارگران و تشکل های کارگری در ایران و جهان و نهاد های جهانی کارگری و حقوق بشری همچنان برای

آزادی این عزیزان ادامه دارد. امسال سنگ محکم دیگری برسنگ بناهای از پیش نهاد شده توسط جنبش کارگری گذاشته شد. از منظر نگارنده نکات مثبت حرکت امسال کارگران آنچنان درخشان و برجسته بود که اولین مجال بررسی را به این جنبه ها اختصاص دادم. منتظر می مانیم تا در اولین فرصت شاهد این باشیم که تشکل های شکل دهنده ی کمیته برگزاری دست به نقد نکات مثبت و نیز کم و کاستی های مراسم امسال بزنند. این حرکت باید از هر منظر مورد نقد قرار بگیرد. اما چیزی که واضح است این است که این مراسم و تجمع علنی و چند هزار نفری کارگران ایران دیگر به کوه باز نخواهد گشت. امید دارم که تشکل های مستقل جنبش کارگری با حفظ اتحاد عملی که در بین خود به وجود آورده اند برای برگزاری مراسم سال 89 قدمهای محکم و با ارزش تری بردارند. نیز این نکته قابل تیریک است که این اتحاد عمل توانسته است باعث ایجاد بحث و نقد و همکاری در مسیر ایجاد تشکل های مستقل کارگری و نیز تقویت تشکل های موجود شود.

نقل شده که پیش از آنکه همه دستگیرشدگان را به زندان اوین ببرند، در محل کلانتری یکی از کارگران با توجه به اتحاد بین تشکل ها، قطعنامه مشترک کارگران ایران، جمع شدن جمعیت چند هزار نفری به جای دشت درپارک لاله، استیصال و در ماندگی حاکمیت و نهایتاً روحیه بسیار بالای دستگیرشدگان گفته است که: تا اینجا که پنج - هیچ به نفع ما!

حالا چند هفته از آن اتفاق می گذرد، دستگیرشدگان در اوین و در بازجویی ها باز هم یک پیشروی دیگر را رقم زدند. خانواده ها خوش درخشیدند، در سطح جهانی تحركات خوبی انجام گرفت و بالاخره، کمیته ی برگزاری کماکان برای آزادی فعالین فعالیت می کند و هر چند روز گزارش یا اطلاعیه ای از اقدامات خود ارائه می کند. آن کارگزدانی با وجود انجام این پیشروی ها ی جدید، چه می گفت؟

حالا چند - هیچ به نفع جنبش کارگری!؟

۴ خرداد ۸۸ - اردلان، فعال کارگری - ایران کاوه

فردین نگهدار



بزرگداشت روز جهانی کارگر 1388 برای هر دو اردوی کار و سرمایه تجربه های گرانقدری به دنبال داشت. حامیان رنگارنگ اردوی سرمایه در یافتند که به رغم اعمال هرگونه مانع از قبیل ارباب، بازداشت و ... کارگران و فعالان کارگری راههای پرسنگلاخ دفاع از آزادی ها و منافع طبقاتی شان را می پیمایند و برای آنان پیام آشکاری از سازمانیافتگی و رویکرد جدید اتحاد طبقاتی فعالان کارگری و دوری از تفرق و گروه گرایی های خرد و بی پایه است.

اما در اردوی کار آن گونه که در اخبار و گزارش ها آمده بود، تنوع شیوه های برگزاری مراسم ها در محافل و شهرهای مختلف، بیانگر ارتقا و رشد کمی و کیفی برگزاری این روز بود. گرچه مراسم هایی بسیاری برگزار می شوند که هیچ انعکاس خبری نداشتند.

فراخوان مشترک چند تشکل و کمیته کارگری مستقل در تهران برای برگزاری مراسم غیردولتی و مستقل اول ماه مه در پارک لاله تهران و صدور قطعنامه مشترک، تبلور ارجحیت منافع طبقاتی و ضرورت حفظ اتحاد و همبستگی طبقاتی، و نیز، سرآغاز تلاشی اندک برای زدودن بیماری سکناریسم و فرقه گرایی بود.

در این روز نه تنها کارگران و خانواده های کارگری حاضر در پارک لاله به شدیدترین و بیرحمانه ترین شیوه ممکن سرکوب و بیش از 150 نفر دستگیر شدند، بلکه کارگران سندیکای فلزکار و مکانیک که قصد برگزاری مراسم در محل تعاونی سندیکا داشتند نیز، از خطر دستگیری بی امان نماندند، این وضعیت بار

دیگر نشان داد که آزادی ایجاد تشکل ها و برگزاری مراسم های کارگری شاخص سنجش وجود حداقل آزادی ها و حقوق دمکراتیک در جامعه می باشد.

هنوز بیش از نیمی از بازداشتی ها در زندان به سر می برند و بیم آن می رود که با پرونده سازی آنان را ماه ها و سال ها در فشار و آزار روانی نگه دارند. اما فعالان کارگری باید نقشه مند و با برنامه مشخص، و رو به کارگران هر سیاستی را که موجب شکاف میان کارگران و فعالان شود را خنثی کنند.

همت و آگاهی طبقاتی کارگران فرش غرب بافت و دیگر فعالان کارگری در کرمانشاه و برگزاری مراسم در مقابل استانداری و باغ فردوس آن شهر نیز صدای رسای کارگران چینی کرد، نازگل، کشمیر و ده ها کارگاه و کارخانه آن شهر بود.

در سقز اما، تحمیل برگزاری مراسم مستقل اول ماه مه امسال ثمره ی سال ها مقاومت و رزمندگی کارگران و فعالان کارگری آن شهر بود. ویژگی مراسم امسال آن شهر حضور مردم و کارگران سقزی و دخالتگری بیشتر خود آنان در برگزاری مراسم بود، که نشان از حسن تدبیر فعالان کارگری شناخته شده ی آن شهر بود.

مراسم امسال شهر سنندج نیز به رسم سال های پیشین از سوی نیروهای امنیتی و انتظامی به خشونت کشیده شد و کارگران و خانواده های آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و با احتساب 5 نفر قتل از مراسم، 11 نفر بازداشت کردند. کارگران و فعالان کارگری سنندجی به دفعات به اثبات رسانده اند که در هر شرایط و با هرگونه فشار و اربابی می توانند روز جهانی کارگر را برپا کنند و حضور نسل جوان در مبارزات و مراسم های کارگری گویای زنده بودن روحیه عدالتخواهی و رفع تبعیض و ستم طبقاتی می باشد. در نشست های مختلف " کمیته برگزاری اول ماه مه 2009 سنندج " کارگران کارخانه ها و فعالان کارگری متشکل در کمیته ها و تشکل های کارگری با هدف شرکت گسترده کارگران و خانواده ها تصمیم به برگزاری مراسم در پارک امیریه گرفتند، آنان می خواستند ساعاتی را به بحث و بررسی وضعیت خودشان در فضای آرام و بی تنش بگذرانند.

اما ویژگی خاص مراسم امسال سنندج، غلبه یافتن رویکرد پرهیز از برگزاری مراسم های آکسیونی و هیجانی در جلسات متعدد کمیته برگزاری بود، گرچه سرمایه این فرصت و فضای آرام را از آنان گرفت، اما فعالان کارگری باید با ارزشمند دانستن این دستاورد و ویژگی مراسم امسال، و با طرحریزی آگاهانه و استفاده از پتانسیل حضور کارگران و خانواده هایشان در مبارزات کارگری، زمینه های عملی تشکل یابی کارگران سنندجی در تشکل های خود را عملیاتی کنند.

لازمه ایجاد تشکل های کارگری کارگران سنندجی اولویت دادن منافع طبقاتی بر گروه گرایی و پرهیز از برخورد ها و رفتار های غیر سیاسی و خام است، تجربه سال های اخیر بیانگر این است که هرگونه گروه گرایی و رفتار های تخریبی موجب دوری کارگران از فعالان کارگری و گسترش یأس و ناامیدی در میان آنان می شود. نتیجه نهایی هر گونه برخورد های فرقه گرایی و تخریب کارگران آگاه و دلسوز به نفع سرمایه و حامیان آنان پایان می یابد.

سهرابی. از شما عزیزانی که در این گفتگوی صمیمانه شرکت کرده اید، بسیار سپاس گزارم. همانطور که شما عزیزان آگاهید مبارزه طبقاتی یک مبارزه عینی است. مبارزه ی کار و سرمایه. در این مبارزه، کارگران و پیشروان کارگری بر آنند تا با تقویت رادیکالیسم جنبش کارگری، گامی در راستای پیشروی این جنبش با توجه به توازن قوای طبقاتی بر دارند. بی شک در عرصه مبارزه طبقاتی فراز و نشیب های فراوانی وجود دارد. در شرایط کنونی حضور هر چه بیشتر کارگران، دخالتگری طبقه کارگر و اتحاد عمل تشکل ها و فعالین می تواند گامی به پیش باشد. برگزاری اول ماه مه 2009 در ایران را میتوان یک گام کوچک رو به جلو دید. گامی که در آن تشکل ها و فعالین با اتحاد عمل در برگزاری این روز و دادن قطعنامه سراسری و دادن فراخوان علنی به برگزاری روز جهانی کارگر را می توان از نشانه های این گام دید. اما از دیگر سو باید آگاهانه و صبورانه به این اتحاد عمل نگاه کرد و دید که این اتحاد عمل در سر

انجام خود به کجا خواهد انجامید. باید دید که تشکل های شرکت کننده در اول ماه مه 2009 می توانند با یک دید طبقاتی و بدون از سکتاریسم و فرقه گرایی به این اتحاد عمل پایبند باشند یا نه!

از دیگر سو، نباید فراموش کرد که بر گزارای روز جهانی کارگر، تنها یکی از عرصه های مبارزه طبقاتی کارگران است. و باید باور داشت که تغییرات بنیادی تنها با ایجاد تشکل های طبقاتی به نیروی خود کارگران امکان پذیر می باشد. چرا که درک شرایط ظالمانه و سود پرستانه سرمایه داری، که بر پایه ی استثمار بنا شده، و باور به تغییر این مناسبات، بر می گردد به درک و اعتقاد طبقه کارگر و اتحاد و همبستگی کارگران در تغییر این شرایط. بدین معنی، اگر فعالین و پیشروان کارگری نتوانند رابطه ای، تنگاتنگ با بدنه کارگری برقرار کنند، اگر حضور کارگران را در تشکل های طبقاتی را شاهد نباشیم، اگر توده های کارگر حضور چشم گیری در این گونه مراسم ها را نداشته باشند، بی شک تغییرات اساسی به نفع طبقه کارگر صورت نخواهد گرفت. باید توجه داشت که تضاد کار و سرمایه و عمیق تر شدن هر چه بیشتر این تضاد، زمینه فعالیت پیشروان و نمایندگان کارگری را فراهم می کند و پیشروان کارگری میتوانند بر اساس این تضاد آشتی نا پذیر و با اتکاه به نیروی خود کارگران گام های بلندی را در راستای منافع طبقاتی بر دارند.

درک این ضرورت تاریخی وظیفه تمامی فعالین جنبش کارگری بوده و هست و با توجه به تمامی شرایط سخت و نابرابری که در این عرصه وجود دارد باید پیشروان کارگری بیشتر از گذشته به این مهم پرداخته چرا که، عرصه مبارزه طبقاتی تنها با حضور کارگران امکان پذیر است و لا غیر !.

به امید ایجاد تشکل های طبقاتی و مستقل کارگری، به نیروی خود کارگران؛ و با امید به اینکه در سالهای آتی شاهد حضور هر چه بیشتر کارگران در بر پائی و تصمیم گیری روز جهانی کارگر باشیم.

دوستان، تا نشست و دیداری دیگر بدرود. **بهزاد سهرابی**. 5- خرداد 1388 -26 می 2009